

پشت پرده کنترل انفجار اتمی "چرنوبیل"

ایگور لیگاجف. ترجمه م. شیزلی

طرح مسئله «دوره رکود»، از سری افسانه های جعلی خصمانه در باره حاکمیت شوروی و حزب کمونیست می باشد. زیرا طراحان آن، از اصل «دروغ هر قدر بیشتر تکرار شود، همانقدر واقعی تر می نماید»، بهره برمی گیرند. حتی، دوره ثبات کنونی هم با دوره «رکود» برژنفی، از زمین تا آسمان فاصله دارد. آنها را مقایسه کنیم:

در دوره مشهور به دوره «رکود»، در مدت ۱۸ سال، (سال های ۱۹۶۴-۱۹۸۲)، روسیه شوروی به سرعت خود در راه پیشرفت سوسیالیستی افزود، گامی بزرگتر به سوی ترقی برداشت.

در این دوره، حزب کمونیست و شوراهای نمایندگان خلق، همه شرایط لازم را برای تسریع آهنگ رشد و ارتقاء سطح رفاه مردم فراهم آوردند، به اراده گرایی و ذهنی گرایی در سیاست خاتمه دادند، به تعادل نظامی بین اتحاد شوروی و آمریکا دست یافتند، مانع بروز جنگ جهانی جدید شدند. فضای کیهانی را تسخیر نمودند.

روسیه بورژوائی کنونی، از سوسیالیسم، به سرمایه داری، به عقب، به قهقرا، برمی گردد. از حاکمیت عموم خلقی به حکومت بورژوازی، از اقتصاد برنامه ریزی به اقتصاد آزاد، به بازار خارج از کنترل، از نیروی خلق به قدرت الیگارشی و بوروکراسی دولتی، از مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید، به مالکیت خصوصی سرمایه داری برمی گردد. اگر تولید ناخالص ملی کشور کمتر از ده درصد تولید ناخالص ملی آمریکاست، از کدام روسیه بزرگ می توان صحبت کرد!

در حال حاضر، اصلاحات ویرانگر، یکی بعد از دیگری اجرا می شود. این اواخر، اصطلاحاتی همچون؛ مدرنیزه کردن، پروژه ها و... مد روز شده است، ولی نتیجه همان است- فقر عمومی عمیق تر می شود.

ابتداء، اوضاع اقتصادی را، با اقتصاد دوره سوسیالیسم که، برپایه اصل عدالت اجتماعی، عامل مشخص کننده بهبودی سطح زندگی مردم زحمتکش بود، مقایسه کنیم.

در دوره «رکود»، حجم صنایع تقریباً، بمیزان یک سوم محصولات صنایع روستائی افزایش یافت. انرژی اتمی بنیانگذاری شد، بخش های تازه صنایع، از قبیل ماشین سازی اتمی، تکنولوژی الکترونیکی و کیهانی، صنایع میکروبیولوژیکی، اصلاح زمین های کشاورزی و شالی کاری راه اندازی و مورد بهره برداری قرار گرفت.

در سال ۱۹۶۵- ۷ میلیارد روبل و در سال ۱۹۸۰، ۲۲ میلیارد روبل، به نرخ امروزی- برابر یک تریلیون روبل، صرف پروژه های علمی گردید. در همان دوره، مجتمع های عظیم علمی با اعتبار جهانی در سبیری، با نام شهرهای علم، در هفت استان، منطقه و مرکز جمهوریها ساخته شد. کاری که، جهان نظیر آن را بخود ندیده است. سبیری، به پهلوان علم و تکنولوژی تبدیل گردید.

استخراج نفت ۴/۲ برابر، گاز طبیعی، ۳/۳ برابر، ذوب فولاد ۱/۶، افزایش یافت. حجم تولیدات محصولات یاد شده فوق در کشور، به ترتیب، به رقم ۵۹۵ میلیون تن، ۴۳۳ متر مکعب و ۱۴۸ میلیون تن رسید.

انرژی بطور دینامیکی رشد یافت. توان الکتریکی کشور در سال ۱۹۶۵، به رقم ۱۱۵ میلیون کیلووات و در سال ۱۹۸۰ به رقم ۲۶۷ کیلووات، رسید، یعنی ۳/۲ برابر افزایش

یافت. نیروگاههای آبی سایانو- شوشینسک، اوست- ایلیمسک، نیژنیکامسک و نیروگاههای اتمی لنینگراد، کورسک، بیلبین، راه اندازی گردید. کارخانه های اتومبیل سازی ولگا و کامسک ساخته شد و مورد بهره برداری قرار گرفت. چنین سالهای «رکود» را در روسیه سرمایه داری، حتی، در خواب هم نمی توان دید. (در میان مردم شوروی، این مثل رایج بود: لامپ لنینی «لامپ معمولی»، خورشید مصنوعی است. نور خورشید هم رایگان است. یعنی، برق تقریباً رایگان بود. مترجم).

بعد از شکست حاکمیت شوروی، ضد انقلاب بورژوازی، درست در مدت ۱۴ سال، حجم تولیدات صنعتی و کشاورزی را تقریباً تا نصف کاهش داده است، هیچگونه تاسیساتی، حتی، یک نیروگاه برق و یا یک کارخانه نسبتاً بزرگ تأسیس نکرده است. در این مدت، دهها هزار موسسه مدرن، مدرسه، مراکز پزشکی، کلوب و کتابخانه، استراحتگاههای دانش آموزی و مهد کودک بسته و غارت شده است. این، یعنی ثبات! جالب تر این که، حتی یک نفر هم به مسئولیت جلب نشده است. (در جمهوریهای آسیای میانه و ماورای قفقاز، تمامی کودکانها و مغازه های کتابفروشی، به استثنای موارد انگشت شمار، بکلی از بین رفته است. مترجم). جالب توجه اینکه، در این سالها، همراه با ساختن موسسات بزرگ تولیدی، مجتمع های تولیدی نظامی - منطقه ای، بویژه در مناطقی کم بودجه و دور دست، از جمله، در سایانسک، براتسکو- اوست- ایلیمسک، یوژنی یاکوتسک و مجتمع پتروشیمی در سبیری غربی نیز سازماندهی گردید. در آن هنگام، فقط در سبیری، بیش از ۴۰ شهر ساخته شد. در شمال غربی سبیری، در استان های تیومن و تومسک، اولین تن نفت در سالهای ۱۹۶۵- ۱۹۶۶ و ۱۵ سال بعد، در سال ۱۹۸۰، ۳۲۱ میلیون تن استخراج گردید یعنی، روزانه یک میلیون تن نفت استخراج می شد. این هم از دوره «رکود»!

کشور به میدان بزرگ سازندگی شبیه بود. مثلاً، همه جمهوریها، در احداث مجتمع پتروشیمی سبیری غربی شرکت داشتند. مراکز تولیدی مسکونی ساخته می شد، کارگران ماهر، متخصصان و کادرهای رهبری، برای کشف معادن اعزام می شدند. یک نمونه دیگر، رهبری کار احداث صنایع نفت سبیری غربی، به و. ای. موراولنکو، سازمانگر بزرگ، متخصص نامدار و کمونیست صادق، سپرده شد. تا آن وقت، وی، رهبری صنایع نفت استان سامارا را به عهده داشت. لازم به یادآوری است، در حال حاضر، پسر موراولنکو که از حفاری تا رهبری بزرگترین کمپانی نفتی مدارج ترقی را طی کرد، نماینده مجلس قانونگذاری روسیه و عضو فراکسیون حزب کمونیست روسیه در مجلس می باشد. موسسه استخراج نفت و گاز را، یو. پ. باتالین، رهبر با استعداد، دارنده جایزه لنین که، هنوز هم به کار خود ادامه می دهد، رهبری می کرد. او از باشقیرستان به سبیری اعزام شده بود. چنین نمونه هایی بسیار بودند.

روسیه بورژوائی کنونی در طول ۱۴ سال، حتی یک معدن با حجم متوسط کشف نکرده است. خدمات زمین شناسی از هم پاشیده و به امید سرنوشت رها شده است. کشور حتی به یک منطقه تازه منابع طبیعی دست نیافته است و به حساب ذخیره های دوره شوروی به حیات خود ادامه می دهد. عرصه های اقتصادی زیادی، از جمله، ابزار سازی، ساخت ماشینهای ساختمان سازی و کشاورزی، الکترونیکی و دستگاههای صنعتی، بسیاری از مجتمع های صنایع دفاعی، انستیتوهای علمی- تحقیقاتی از بین رفته است. (تا سال ۱۹۹۱، در آکادمی علوم جمهوری آذربایجان ۱۵۰۰۰ هزار نفر کار می کرد، دوسال پس از تخریب اتحاد شوروی و سوسیالیسم، شمار آنها، به رقم ۸۰۰۰ نفر کاهش یافت. مترجم). بعد از همه اینها، هر گونه صحبت از استقلال روسیه در مقابل غرب، بی مورد و بی جاست!

در سالهای «رکود»، اقتصاد دهقانی پیشرفت های عظیمی کرد. بیش از ۳۰ درصد کل محصولات روستائی در مناطق آبیاری شده و و زه کشی شده تولید می شد. در دهات، تولید متمرکز، اختصاصی و تعاونی گسترش یافت، هزاران مجتمع بزرگ دامپروری و مرغداری،

سیستم های آبیاری، از جمله در حوزه رود ولگا و قفقاز شمالی، ساخته شد. موسسات کشاورزی، در مقایسه با امروز، ۱۴ برابر بیشتر، تراکتور و کمباین دریافت می کردند. در روسیه بورژوائی، روستاها در حال از هم پاشیدن هستند. هزاران آبادی از بین رفته است، میلیونها هکتار اراضی قابل کشت بایر مانده است، شمار گاوها به حد کمتر از یک صد سال پیش رسیده است.

اتحاد شوروی دومین قدرت جهانی بود. اگر در سال ۱۹۶۰، حجم تولیدات صنعتی اتحاد شوروی، برابر با ۵۵ درصد تولیدات آمریکا بود، پس از بیست سال، در سال ۱۹۸۰، به ۸۰ درصد رسیده بود. در عین حال لازم به یادآوری است که عقب ماندگی از آمریکا در عرصه بازدهی کارتولیدی کاهش نیافت، در صنایع کمتر از دو برابر و در عرصه تولید محصولات روستائی، در حد ۵ برابر مانده بود.

لئونید ای. برژنف و آکسی . ن. کاسیگین همیشه توجه جدی به سیبری مبذول می داشتند. در دوره شوروی، بطورکلی در این برهه، بخصوص، توانائی شوروی برای نیل به پیش بینی های لومونسوف بزرگ، موجب توسعه سیبری گردید. آنها، از سخنان آ. ت. تواردوفسکی، شاعر نامی شوروی، الهام می گرفتند که، در باره سیبریائی ها گفت: «سیبریائی ها، مردم مختلط، اما برگزیده ای هستند» و بیاد ندارم که، حتی یکی از پیشنهادهای رهبران منطقه سیبری، مورد پشتیبانی آنها واقع نشده باشد (منظور پیشنهادهای مدلل و محاسبه شده می باشد). من که سابقاً، ۱۷ سال دبیر کمیته ایالتی حزب کمونیست اتحاد شوروی در استان تومسک بودم، به این امر مطمئنم.

رهبری لئونید ای. برژنف، در عرصه احداث صنایع نفتی، تولید محصولات پترو شیمی در مقیاس جهانی، تأسیس دو مرکز علمی در سطح آکادمی بزرگ علوم و آکادمی علوم پزشکی، در تبدیل شهر نیم میلیون نفری تومسک به آرتیزان زیر زمینی تأمین آب، در تجهیز کامل مجتمع های تولید گوشت پرندگان، خوک، تخم مرغ و بسیاری دیگر، غیر قابل انکار است. و این هم یک نمونه مشخص. در استان تومسک- ذخیره هنگفت، تقریباً، ۴۰۰ میلیون متر مکعب سرو- مرواید جنگلهای سیبری موجود است. وزارت تهیه فراوردهای جنگلی، درخت سرو را در حد چوب ارزیابی می کرد. موضع ما متفاوت بود. بنظر ما، سرو، قبل از هر چیزی، درخت باردهی است که محصولات آن- جوز و صمغ، ارزش غذائی داشته و در صنایع داروسازی و تکنولوژی، مورد استفاده قرار می گیرد. سالانه ۷ هزار درخت سرو بریده می شد و بازپروری آن به کندی صورت می گرفت (لازم به گفتن است که، درخت سرو، در حدود ۱۲۰-۱۵۰ سالگی به بار می نشیند).

تلاشهای ما برای تنظیم بهره برداری از درخت سرو، با موفقیت همراه نشد. به لئونید ای. برژنف مراجعه کردیم. بعد از بررسی نظر ما، در یادداشتی به کمیته حزبی استان نوشت: «آبرو ریزی است. یادداشت را بررسی کرده، مقصرین را به مسئولیت جلب کنید». بدنبال آن، دولت اتحاد شوروی نیز، قرار مشابهی صادر کرد. امّا، در حال حاضر، بدون هیچ محدودیتی، درختان سرو را می برند.

سیستم برنامه ریزی برای کشور، به نظر من، به عنوان رهبر یک استان، نه تنها مانعی نداشت، حتی، وسیله قدرتمندی برای تمرکز نیرو برای حل سریع مشکلات و مسائل کشوری و محلی بود. اظهاراتی مبنی بر اینکه سیستم برنامه ریزی باعث از هم پاشیدن اتحاد شوروی گردید، دروغ بی پایه ای بیش نیست. اکنون، زمانیکه سیاست اقتصادی، علمی و فرهنگی دولت را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم، براحتی درمی یابیم که، آن چیزی جز خودکشی دولت نیست. بیهوده نبود که رئیس جمهور روسیه مجبور شد اعتراف کند که، برنامه بهره برداری از سیبری با شکست مواجه گردید.

در سالهای ۶۰-۷۰ قرن گذشته برنامه فراگیری کیهان تحقق یافت. در این عرصه، فعالیت انسانی اتحاد شوروی نقش راه بردی داشت. پایه های علمی، مادی- تکنیکی، پرسنلی و آماده

سازی آنها تدارک دیده شد. تحقیقات کیهانی در خدمت حل برنامه های اقتصاد مردمی و نظامی، از جمله آنها، در عرصه های زمین شناسی، هوا شناسی قرار گرفت. حاکمیت فعلی، «روسیه واحد»، بسیاری از بخشهای فراگیری کیهان را نابود کردند و ایستگاه فضائی بین المللی «میر» را پائین کشیده و در اقیانوس غرق نمودند.

چه کارهایی مستقیماً به ارتقاء سطح زندگی مردم شوروی در دوره « رکود» مربوط می شود؟ بطور متوسط در روسیه سالانه ۵۳ میلیون متر مربع منزل مسکونی، بطور رایگان در اختیار مردم گذاشته می شد. امروز ۳۵ میلیون مترمربع ساخته می شود و هر مترمربع آن، ۴۵ تا ۹۰ هزار روبل قیمت گذاری شده است که اکثریت مردم توانائی خرید آن را ندارند. طبق طرح رئیس جمهور، تا سال ۲۰۱۰، شرایط مسکن یک سوم مردم بهبود خواهد یافت. برای رسیدن به این منظور، باید سالانه، در حدود ۴-۵ برابر بیشتر نسبت به امروز، منزل ساخته شود. برای اجرای این طرح، احداث دهها کارخانه تولید مصالح ساختمانی، ماشین و مکانیزم ضروری است. هیچکام از اینها عملی نبوده، فقط یک هوس است.

درآمد واقعی مردم، ۱/۵ برابر افزایش یافت. در آن سالها، ۱۲ میلیون نفر به تعداد جمعیت روسیه شوروی اضافه شد. در نقطه مقابل آن، در روسیه سرمایه داری، الآن که دوره رکود نیست، در اثر فقر عمومی مردم، سالانه ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور کاسته شده است. این هم یعنی، فاجعه، یعنی، انحطاط. در حالی که قیمتها بیش از ۵۰ - ۱۰۰ برابر بالا رفته است، حقوق بازنشستگان و کارکنان دولت، ۱۵-۲۰ برابر اضافه شده است.

جمعیت اتحاد شوروی با محصولات غذائی با کیفیت بالا، تولید کشور تامین می گردید. توأم با آن، در زمینه تولید فرآورده های گوشتی (گوشت گاو) و کره حیوانی کمبود داشتیم. امروز بیش از ۴۰ درصد محصولات دامی از خارج وارد می گردد.

کرایه منازل، بطور متوسط، بیشتر از ۳ درصد درآمدها نبود. پرداختهای مردم بخاطر استفاده از منازل و سه بخش از خدمات، در مجموع، فقط یک سوم هزینه های مصرفی دولت در این زمینه را تأمین می کرد و دو سوم باقی مانده را خود دولت می پرداخت. امروز همه صد در صد هزینه ها، بر دوش زحمتکشان گذاشته شده است.

تمامی مراحل تحصیلی و همه مراقبت های پزشکی رایگان بود. در حال حاضر، این سیستم لغو شده است و با پول زیادی مقدور است. استفاده از کودکان و مدارس ۱۶-۳۰ برابر کاهش یافته است (این رقم، در جمهوریهای آسیای میانه و ماورای قفقاز، تقریباً به صفر رسیده است. مترجم).

از بین رفتن جمعیت- اپیدمی مرگ زا- بزرگترین خطری است که، روسیه را تهدید می کند. امروزه، بخصوص ملت روس تلفات سنگین را متحمل می شود. تضعیف خلق روس- خواست و آرزوی دیرین امپریالیسم غرب می باشد. ب. ساوینکوف، خصم کینه توز اتحاد شوروی، هدف غائی استیلاگران خارجی از تحمیل جنگ داخلی را، در سال ۱۹۲۴، در دادگاه چنین بیان کرد: « نفت به عنوان هدف حداقل... اما، هدف نهائی، هر قدر روس ها همدیگر را بکشند بهتر است، روسیه ضعیف می شود و ما همانقدر بهتر اداره می کنیم».

واما، دموکراسی بر خلاف چرندگویی های دموکرات های دروغین (حزب «روسیه واحد»)، تعاریف متفاوتی دارد. بر اساس دموکراسی کنونی سرمایه داری- حاکمیت و مالکیت، علیرغم وجود برخی اختلاف سلیقه ها در دست بورژوازی بزرگ، الیگاشی و بوروکراسی دولتی متمرکز می شود و این هم هیچ کمکی به تغییر اوضاع نمی کند. به عبارتی دیگر، «چه کسی کباب و چه کسی بوی کباب، می خورد»!

به موازین اخلاقی توجه کنید. تفکر و عملکرد درست مردم شوروی، گذار از جامعه بورژوائی پیشین- علامت مشخصه جامعه شوروی بود. ولادیمیر ایلیچ لنین، رشوه خواری را منفورترین دشمن حاکمیت شوروی ارزیابی می کرد. رشوه خواری در دوره حاکمیت شوروی هم وجود داشت. اما، در حدی محدود و مقدار آن نیز در مقایسه با آنچه که امروز

رایج است بسیار ناچیز بود. مهم این بود که رشوه خواری مجازات های سنگینی را در پی داشت. زندان، اخراج از حزب و هر مقامی که عهده دارش بود، از مجازات های معمول بود. پرونده شولکوف، وزیر (سال ۱۹۸۳)، مثال بارز آن است. رشوه خواری و اختلاس در روسیه سرمایه داری کنونی به خطر بزرگی تبدیل شده است، از بالا تا پایین، تمامی جامعه را فرا گرفته است. کمیسیون هائی تشکیل می شود، مقرراتی برای جلوگیری از اختلاس تنظیم می گردد ولی، اختلاس و رشوه خواری همچنان توسعه می یابد. مأموران دولتی ۵ - ۱۰ برابر بیشتر از حقوق خویش، رشوه می گیرند.

در دوره حاکمیت شوروی، همه مایحتاج ضروری زحمتکشان تأمین می شد، هیچ کس هراس از دست دادن کار خود را نداشت و نگران آینده فرزندانش نبود. مجامع کارگری با فرستادن نمایندگان خود به ارگان های حاکمیت، در رهبری موسسات و دولت شرکت داشتند. نصف نمایندگان ارگان قانونگذاری، کارگران، دهقانان و متخصصان بودند. پس از دیدن این همه، باز هم می گویند: «حاکمیت شوروی مردم را آشغال، آشغال سازندگی حساب می کرد» (گریگوری یاولینسکی، روزنامه «ایزوستیا»، ۴ ژوئن ۲۰۰۵). دروغ عجیبی است! بر خلاف روسیه سرمایه داری، که بخش قابل توجهی از جامعه را بی اعتنائی و بی تفاوتی احاطه کرده است، در دوره حاکمیت شوروی شور و اشتیاق همیاری در جامعه حاکم بود. و آن، حاصل کار و اشتغال عمومی بود. بحق، آن دوره باعث افتخار ماست. با یاد آن سالهای گرامی، سر تعظیم فرود می آوریم!

این سالها، همچون همه دوره تاریخ شوروی، سالهای سازندگی، دفاع از میهن، مبارزه در راه تحکیم صلح جهانی، همزیستی دو سیستم اجتماعی- سوسیالیسم و سرمایه داری - بود. در این سالها توازن نظامی بین اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا، برقرار شد. تأمین صلح جهانی، نیازمند صرف هزینه های بسیار عظیم مالی و مادی بود، که امکانات تأمین نیازمندیهای رو به تزاید مردم شوروی را محدود می ساخت.

عوامل الهام بخش سازندگی در تاریخ دوره شوروی کدامند؟

مالکیت اجتماعی، حاکمیت خلق، اتحاد کارگران، دهقانان و روشنفکران، دوستی ملتها، رهائی مردم از قید ستم و استثمار و نقش رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی، سرچشمه قدرت و ثروت روسیه شوروی بود.

توأم با دستاوردها، **نارسائی های جدی**، از جمله، در زمینه های عقب ماندگی از غرب در عرصه تعمیم کاوشهای علمی، بهره وری صنایع تولیدی ملی، توقف تعمیق دموکراسی سوسیالیستی و وجود اختلاف نظربین جمهوریها با مرکز، وجود داشت. در بسیاریاها و همچنین در مرکز، مظاهر خود تسکینی، گریز رهبران برخی جمهوریها (اوکرائین، قزاقستان، گرجستان) و استانها از حوزه انتقاد، عدم کنترل، تخلف از جایگزینی و تعویض کادرها چشم گیر بود.

نباید فراموش کرد که تحریف چهره لئونید. ایلچ. برژنف و دوران «رکود» برای دموکراتهای دروغین رهبری روسیه از آن جهت لازم است که، از مسئولیت خود در تخریب کشور سر باز زنند، با اقترای ناروا سیمای حزب را بیالایند، اذهان مردم را باضدیت با شوروی مسموم سازند، حاکمیت بورژوازی بزرگ را ابدی نشان دهند. هدف از افترا و تهمت زدن ها به گنادی زیوگانف، رهبر مجرب و مقاوم حزب کمونیست جمهوری فدراتیو روسیه که توانست با کمک کمونیستها، حزب را حفظ، بازسازی و تقویت کرده و دامنه نفوذ و اعتبار آن را در جامعه توسعه دهد نیز همین است.

این سخن پوشکین، در مورد ل. ای. برژنف صادق است: «همیشه کارگر بود».

ل. ای. برژنف پیش از آنکه به رهبری حزب و دولت برگزیده شود، راه پر افتخاری را طی کرده بود. تجربیات ارزنده ای در زندگی و کار کسب کرده بود، بیوگرافی بسیار جالبی داشت. در دانشکده و کارخانه کار کرد، رهبر استان دنیپر و پتروسک اوکرائین، جمهوریهای متحده- مولداوی و قزاقستان، دبیر کمیته مرکز حزب کمونیست اتحاد شوروی، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی بود. در سالهای جنگ کبیر میهنی، به جبهه رفت. در جنگ درجه ژنرالی گرفت.

نهایت این که، چه تدابیر برای خروج از بن بست در راه ترقی و شکوفائی کشور اندیشیده شد؟ حاکمیت بورژوازی اقداماتی نظیر، میلیاردها سرمایه گذاری خارجی، میلیونها نیروی کار مهاجر و تمرکز مالکیت در دست آنهایی را که از طریق کلاه برداری بدان دست یافته اند، راه خروج از بن بست ارزیابی می کند. در چنین حالتی، حتی خود صورت مسئله مربوط به استقلال، امنیت ملی کشور و عدالت اجتماعی هیچ محتوا و مفهومی نمی تواند داشته باشد.

آقایان محترم، همه دزدیده های خود را به صاحبان واقعی آنها، به دولت و طبقه کارگر برگردانید، دارائی های مردم زحمتکش را پس بدهید و بعد از آن، به صلح، به هم گرایی اجتماعی دعوت کنید. در غیر این صورت، عوامفریب نکنید.

حاکمیت و مالکیت، راه رشد سوسیالیستی و دولت جمهوریهای متحد، حفاظت از خلق و افزایش جمعیت، از مردم ربوده شده است، همه آنها، باید برگردانده شود.

فقط اتحاد شوروی قادر به رفع خطر هسته ای بود.

امداد گران- چرنوبیلی ها- آثار ناشی از انفجار راکتور برق نیروگاه اتمی **چرنوبیل** را از میان برداشتند و اینک، قبل از هر کاری، باید لایه های دروغ را دفن کرده، واقعیات را روشن سازند و جعلیات کینه توزانه را افشاء کنند.

در کار از میان برداشتن پیامدهای انفجار، بیش از ۵۰۰ هزار نفر شرکت کردند. بیش از ۱۳۰ هزار نفر ساکن منطقه، به مکان های امن منتقل شدند.

۵۶۰ هزار مترمربع مسکن در اختیار انتقال یافتگان گذاشته شد، شهر سلاووتیچ برای پذیرش ۲۰ هزار نفر تجهیز گردید.

دولت، لیستی مرکب از ۵۷۶ هزار نفر برای ارائه خدمات پزشکی سیستماتیک در مقابل آلودگی به تشعشعات رادیواکتیو و کنترل آن را تنظیم کرد.

۱۲۰۰ آزمایشگاه رادیولوژی برای کنترل تاثیر تشعشعات اتمی بر روی محصولات روستائی راه اندازی شد. محصولات ۲ میلیون و ۳۶۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی برای بررسی قابلیت مصرف آنها، معاینه به عمل آمد. فعال کردن میلیونها متر مربع اراضی متوقف گردید. سه بلوک نیروگاه اتمی مجددا مورد بهره بداری قرار گرفتو بلوک چهارم منفجر شده در تابوت مخصوصی بسته شد.

فاجعه ملی حادثه انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل، زمانی روی داد که، اتحاد شوروی هنوز یک قدرت بزرگ جهانی بود، مرحله اول نوسازی تازه آغاز شده بود، کشور هنوز سرپا بود، نوسازی ها در چهار چوب سوسیالیسم، برای بهسازی، نه تخریب آن، پیش می رفت. کشور شوراهای، همه نیرو و توان خود را بکار گرفت و به تنهایی و بدون کمک خارجی، خطر مرگبار هسته ای را رفع کرد. اگر چنین حادثه ای در روسیه سرمایه داری اتفاق می افتاد، تمام کشور ویران می شد.

در اینجا، لازم است به شرح مفصل سازماندهی کارهای بازسازی گسترده، در شرایط بویژه بپردازم. چنین فرصتی هیچگاه نبود. با این همه، بعدها، پس از پایان کارهای حادثه انفجار، سیاست ها واژگون گردید و یا بطوری که، "ب. ای. آلئینیک" شاعر شوروی ترسیم می کند، روباه تزئین شده، با تخریب اتحاد شوروی، به طرز غریبی همه آنچه را که برای نجات صدها هزار انسان شوروی از خطر حمله هسته ای انجام شده بود دگر گونه جلوه داد.

به این ترتیب، بیست سال قبل، ۲۶ آوریل سال ۱۹۸۶، نیروگاه اتمی چرنوبیل، در اثر تخلف جدی از مقررات استفاده، دقیقاً، با مسدود کردن تجهیزات حفاظتی و خاموش کردن کامل سیستم خنک کننده اضطراری، راکتور چهارم آن منفجر شد. مواد رادیوآکتیویته در فضا پخش شد، آتش سوزی روی داد. آتش، به سرعت خاموش گردید، متأسفانه، دو نفر در اثر آتش سوزی کشته شدند. (توضیح مترجم: با توجه به این که، مترجم، حوادث منجر به تخریب سوسیالیسم و تجزیه اتحاد شوروی را از همان ابتدا، تعقیب کرده است، یادآور می شود که، حادثه انفجار در راکتور چهارم نیروگاه اتمی چرنوبیل، در جریان یک بازرسی پیش بینی نشده غیر منتظره، همانطور که نویسنده اشاره کرده است، در نتیجه « مسدود کردن تجهیزات حفاظتی و خاموش کردن کامل سیستم خنک کننده اضطراری » توسط متصدی امر، مدتی پس از فرود آمدن یک هواپیمای ورزشی آلمانی در میدان سرخ مسکو روی داد. بنابراین، انتظار می رفت، نویسنده همین کتاب، مسئله بازرسی پیش بینی نشده در نیروگاه، ارگان سازمانده آن، ترکیب اعضای هیئت بازرسی و علل احتمالی این عمل اوپراتور و سرنوشت بعدی وی را نیز تحلیل و بررسی می کرد. بویژه اینکه، در سالهای پروسترویکا گارباچف، از زبان انسانهای زیادی در محافل خصوصی این جمله شنیده می شد: « بزودی، اتحاد شوروی را از بین می بریم ». سؤال اساسی این است که آیا فرود آمدن هواپیمای ورزشی در میدان سرخ، حادثه انفجار در نیروگاه چرنوبیل و رویدادهای دیگر، از جمله، ظهور شیدانی نظیر کاشپیروفسکی، چوماک، نشانه سوراخ - سوراخ شدن حزب کمونیست و حاکمیت شوروی بواسطه امپریالیسم جهانی و تشدید فعالیت نیروی تخریب داخلی نبود؟).

نظیرچنین حادثه ای با احتساب پیامدهای آن، در جهان روی نداده است. رهبری کشور، پیش از همه، لازم بود، علل حادثه و مقیاس آن را بررسی و ارزیابی کرده، اقدامات فوری اولیه را بکار گیرد. این هم نیازمند زمان بود. از همه مهم تر، این بود که، تصمیم گیری عجولانه و نا محتاطانه، باعث ترس و هراس میلیون ها مردم نگشته و موجب افزایش تلفات انسانی بیشتر نگردد.

یک روز بعد از حادثه انفجار، ۲۷ آوریل، گروه عملیات سریع هیئت سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمیسیون دولتی تشکیل شد.

گروه عملیات سریع هیئت سیاسی، اولین جلسه خود را ۲۹ آوریل تشکیل داد، پس از آن جلسات روزانه، در طول نیمه اول ماه مه، حتی روز اول ماه مه برگزار می شد. در دوره های اولیه که از میان برداشتن سریع پیامدهای حادثه ضروری بود، هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی هم، هر هفته اوضاع منطقه حادثه را مورد بررسی قرار می داد.

مقر گروه عملیات در مسکو و کمیسیون دولتی در محل حادثه واقع بود. اعضای گروه، وزیران و رهبران موسسات علمی، در صورت نیاز، به مناطق تحت تأثیر مواد رادیوآکتیو، اعزام می شدند. گروه عملیات از ماه آوریل سال ۱۹۸۶ تا ماه ژانویه سال ۱۹۸۸، یعنی بیش از یک سال و نیم، به کارش ادامه داد. ۴۰ جلسه برگزار کرد، عملاً مسائل زیادی حل و فصل گردید، توده های مردم نجات داده شدند.

ن.ای. ریژکوف (عضو هیئت سیاسی، نخست وزیر اتحاد شوروی، مسئول گروه)، ای. ک. لیگاچف، عضو هیئت سیاسی (دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی)، و. م. چبریکوف (رئیس کمیته امنیت ملی اتحاد شوروی)، و. ای. واراتنیکوف (نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی فدراتیو روسیه)، اعضای مشاور هیئت سیاسی: و. ای. دولگیخ (دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی)، س. ل. ساکالوف (وزیر دفاع اتحاد شوروی) و و. آ. ولاسوف وزیر کشور اتحاد شوروی، اعضای گروه عملیات سریع بودند.

یو. پ. باتالین، گ. ای. مارچوک، و. س. موراخووسکی، معاونان نخست وزیر اتحاد شوروی، ای. پ. یاستربوف، آ. گ. مانیکوف، مسئولان شعب کمیته مرکزی حزب

کمونیست، آ. پ. الکساندروف، صدر هیئت رئیسه آکادمی علوم اتحاد شوروی، یو. آ. ایزرائیل اوف، صدر کمیته دولتی هواشناسی، ای. پ. سلاوسکی، وزیر وزارت خانه ساخت ماشینهای متوسط، آ. ای. مایورتنس، وزیر انرژی، م. ای. شادوف، وزیر صنایع زغال سنگ، ن. س. کاناروف، وزیر راه آهن، و. ای. آریستوف، وزیر بازرگانی خارجی، س. ف. آخرامی اوف، رئیس ستاد مرکزی وزارت دفاع اتحاد شوروی، ای. ی. چازوف، وزیر بهداری اتحاد شوروی و معاون اول وی، او. پ. شنیپن، آ. ای. پاتاپوف، وزیر بهداری جمهوری سوسیالیستی فدراتیو روسیه، آ. گ. کوالیوف، معاون وزیر امور خارجی اتحاد شوروی، سه نفر از آکادمیسین ها، و. آ. لگاسوف، ای. پ. ولیخوف، آ. م. واراویوف و دیگران، همیشه در کار گروه عملیات سریع و جلسات آن، شرکت می کردند. روزنامه های «پراودا» و «سووتسکایا راسیا» و سر دبیران آنها، و. گ. آفاناسیوف و و. و. چیکین، در امر روشنگری بمنظور از میان برداشتن پیامدهای حادثه، نقش بسیار ارزنده ای داشتند.

برای از میان برداشتن پیامدهای این حادثه، آکادمی علوم اتحاد شوروی، ۲۱ وزارت خانه، ۴ دانشکده علمی، ارگانهای رهبری کشور، مرکزی و محلی جمهوریهای روسیه، بلوی روس، اوکرائین و نیروهای مسلح اتحاد شوروی وارد عمل شدند.

معاونان نخست وزیر، ب. ای. شربین، یو. د. سیلیوف، و. ک. گوسیوف و گ. گ. ودرژنیکوف، به نوبت، کار کمیسیون دولتی را در محل حادثه، رهبری می کردند. در سال ۱۹۸۶، وزارتخانه انرژی اتمی، مرکز علمی طب رادیوآکتیو، شورای هماهنگی مقابله با حوادث، تشکیل و مستقیماً وارد عمل شدند.

همانطور که توضیح دادیم، عالی ترین ارگان های حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، کار سازماندهی و رهبری از میان برداشتن پیامدهای حادثه را بر عهده گرفتند. رهبران پرتوان، سازمانگران کارآزموده و دانشمندان آگاه کشور، به این کار جلب شدند. اینها، انسان های سیستم شوروی و هر یک شخصیت بارزی بودند. هیچیک از آنها، در انجام مسئولیت های محوله، علیرغم احتمال خطرات سنگین، کوتاهی نکردند.

گروه عملیات سریع هیئت سیاسی، با بهره گیری از کمک های دائمی و گسترده دانشمندان و متخصصان، تدابیر بسیار جدی برای از میان برداشتن و جلوگیری از گسترش پیامدهای ناگوار حادثه انفجار نیروگاه چرنوبیل، تقویت امنیت نیروگاههای اتمی، مدرنیزه کردن و ساختن راکتورهای اتمی نسل جدید، اندیشیده و به کار بست و اجرای کامل تصمیمات هیئت سیاسی را زیر نظر خود گرفت. این گروه بخوبی از عهده کار هماهنگی همه تلاشهای کشور، حزب، ارگانهای علمی و اقتصادی برای تحقق اقدامات لازم، تعیین اولویت زمانی برای اجرای امور تأخیرناپذیر، برآمد.

گروه عملیات سریع در سه جلسه اول خود، ۲۹، ۳۰ آوریل و اول ماه مه، مسئله اوضاع رادیوآکتیوی نیروگاه چرنوبیل و مناطق نزدیک اطراف آن، سازماندهی ارائه خدمات پزشکی به مردم، کوچاندن مردم شهر پریپیات (Pripyat)، شرکت واحدهای وزارت دفاع در عملیات رفع پیامدهای حادثه و توزیع ۱۰ هزار تن سهمیه مواد غذایی بین انتقال یافتگان را مورد بررسی قرار داد. درست همین روزها، ۲ هزار نفر پرسنل نظامی از واحدهای شیمیائی نیروهای مسلح، به محل حادثه رسیدند و کار پاکسازی محوطه نیروگاه و مناطق مسکونی همجوار از تأثیرات اتمی را آغاز کردند.

دوم ماه مه، نیکلای ریژکوف و ایگور لیگاجوف از محل حادثه و مناطق مسکونی انتقال یافتگان بازدید کردند. آنها، با حضور ب. ای. شربین، صدر کمیسیون دولتی و رهبران اوکرائین، وضعیت منطقه را در محل بررسی کرده و در جریان تماس مستقیم با مردم مطمئن گردیدند که، کارهای ضروری سازماندهی شده است. در ضمن آن، معلوم گردید که، در سازماندهی ارائه خدمات و کمکهای پزشکی مورد نظر به مردم نواقصی وجود دارد.

همچنین، همانجا تصمیم گرفته شد، همه ساکنان منطقه ای به شعاع ۳۰ کیلومتر در اطراف نیروگاه، به مکان امن تری کوچانده شود. انتقال مردم همان روز آغاز شد. حضور هیئت ما در منطقه و تصمیمات اتخاذ شده، در روزنامه ها، رادیو و تلویزیون وسیعاً انعکاس یافت. ۱۴ ماه مه، میخائیل گارباجف از تلویزیون سخنرانی کرد. در واقع، این، مراجعه به مردم اتحاد شوروی بود.

لازم به یادآوری است که، در تمام جلسات گروه عملیات سریع، صرفنظر از اهمیت مشکلات دیگر، مسئله کوچاندن ساکنان منطقه، اسکان و تأمین شغل آنها، پرداخت حقوق، تحصیل دانش آموزان در مدارس، ارائه خدمات پزشکی به مردم، تأمین «مواد غذایی سالم»، پاکسازی منطقه از تأثیرات تشعشعات اتمی و ساخت منازل جدید برای منتقل شدگان، مورد بحث و بررسی قرار می گرفت. یعنی، در مرکز عاجلترین برنامه های هیئت سیاسی و گروه عملیات سریع آن، شورای وزیران و کمیسیون دولتی، ارگانهای حزبی و دولتی اتحاد شوروی، انسان و تأمین مایحتاج ضروری آن، قرار داشت و اجرای همه برنامه ها، کنترل می شد.

از جمله، در جلسه ۱۲ ماه مه، درمورد مسئله ضرورت و ترتیب انتقال کودکان، زنان باردار، مادران شیرده از شهر کیف و مناطق مسکونی همجوار تصمیم گرفته شد. درست همان روز، او. پ. شپین، معاون وزیر بهداری و یو. آ. ایزرائیل، رئیس کمیسیون دولتی با هواپیما به شهر کیف رفتند و ۱۳ ماه مه، با شرکت وزارت بهدای و آکادمی علوم اوکراین جلسه مشورتی تشکیل دادند و پس از بررسی اوضاع، بدین نتیجه رسیدند که، منتقل کردن افراد نامبرده اخیر، ضرورتی ندارد. همچنین بر این موضوع تأکید شد که، «ارزیابی وزارت بهداری اوکراین از وضعیت رادیوآکتیو اشتباه بوده، اقدامات شتابزده و توصیه ها که، باعث بروز ترس و وحشت و شایعات دروغ در میان مردم کیف شده است، بی اساس بوده است».

همراه با آن، اهالی برخی مناطق آلوده به مواد رادیوآکتیو، تا جایی که، میزان آن، برای سلامتی دهها هزار زن و کودک مضر نبود، تابستان همان سال، در تفریحگاههای دانش آموزی، استراحتگاهها و نقاهتگاهها اسکان داده شدند.

انبوه مردم، از جمله، در اوکراین، ۴۳۱ هزار نفر مورد معاینه پزشکی قرار گرفتند. ۲۰۹ نفر، به تشعشعات اتمی آلوده شده بودند. تا پایان سال ۱۹۸۶، با احتساب آن ۲ نفر که، هنگام انفجار در نیروگاه اتمی، روز ۲۶ آوریل کشته شده بودند، ۲۸ نفر مردند.

کارهای تأخیرناپذیری که، می بایست مستقماً در خود نیروگاه و نزدیکیهای آن انجام شود، سریعاً مشخص گردید. محدود کردن کانونهای حادثه، جلوگیری از نفوذ سوخت اتمی گداخته به زمین و مواد رادیوآکتیویته، به رودخانه پریپیات (Pripyat) که، آن خود، به دریاچه کیف می ریزد، جزء کارهای تأخیر ناپذیر بود. آلوده شدن آب رودخانه پریپیات به مواد رادیوآکتیو، می توانست حوزه رودخانه دنپیر را که، منبع تأمین آب آشامیدنیها میلیونها مردم اوکراین است، آلوده سازد. که خود این می توانست، به فاجعه عظیم تری تبدیل شود.

خلاصه اینکه، کارهای منحصر بفردی در شرایط بویژه سخت، برای ساختن سیستم دفع حرارت بمنظور جلوگیری از تخریب فونداسیونهای بتونی راکتورهای اتمی با سوخت هسته ای گداخته و ممانعت از آلوده شدن آبهای زیر زمینی و مخازن آب به اجرا درآمد. همراه با آن، بمنظور جلوگیری از آلوده شدن منابع آب به مواد رادیوآکتیو، تجهیزات هیدروتکنیکی وسیع، سدها، چاهها، ساخته شد و با پاشیدن ماده خفه کننده مواد رادیوآکتیو، از ریزش سواحل رود پریپیات جلوگیری به عمل آمد (۴ ماه مه).

در هر حال، مقدار قابل توجهی مواد رادیوآکتیو، از راکتور منفجر شده پخش شده بود که با استفاده از ماسه، گل، سرب و اسید بوریک دفن گردید. خلبانان هلی کوپترها، ۵ هزار تن از

این مواد را از هوا ریختند. در این کار، خلبانان مهارت و قهرمانیهای بزرگی از خود نشان دادند. تا تاریخ ۶ ماه مه، پخش مواد رادیواکتیو صدها برابر کاهش یافت، اما، هنوز زیاد بود. همزمان با این کارها، کار دفن راکتور چهارم و راه اندازی مجدد سه راکتور نیروگاه نیر به پایان رسید.

کمیته دولتی هواشناسی با استفاده از تجهیزات هوایی و زمینی، اجرای همه تصمیمات مبنی بر دفع آثار حادثه و انتقال ساکنان منطقه را زیر نظر داشت. مثلاً، در اواسط ماه ژوئن سال ۱۹۸۶، کمیته دولتی هواشناسی با استفاده از عکس برداری های هوایی و زمینی، وضعیت رادیواکتیو در ۴۵۸ منطقه مسکونی اوکراین را مشخص نمود. به جمهوریهای روسیه و بلاروس، پیشنهاد بازگرداندن اهالی ۲۳۷ مرکز مسکونی داده شد. زیرا، تصمیم به بازگرداندن اهالی هر منطقه، بعد از بررسی جداگانه و مشخص، گرفته می شد.

در مجموع، ۱۳۰ هزار نفر کوچانده شدند. تعداد قابل ملاحظه ای از آنها در در اماکن تازه ساز اسکان یافتند. برای کارکنان نیروگاه، شهر مدرن سلاووتیچ (Slavoutich)، با تمامی امکانات شهری، مدارس، مهد کودکها، مراکز پزشکی، استخرها و سالن های کنسرت، ساخته شد.

یک نمونه دیگر. بعد از معاینه دقیق فرآورده های خوراکی روستائی، فعالیت در ۱۵۰ هزار هکتار از اراضی زیر کشت، ممنوع گردید.

گروه عملیات سریع و کمیسیون دولتی، عمدتاً، توجه خود را به اجرای تصمیمات گرفته شده در رابطه با کارهای بازسازی، معطوف داشتند. ارگان های حزب کمونیست اتحاد شوروی، بطرز بسیار گسترده ای به این کار جلب شدند. در جلسات گروه عملیات سریع، نمایندگان وزارتخانه ها، کمیته های ایالتی، کمیته های اجرائی استانها، رهبران اوکراین، روسیه و بلوروس نیز شرکت می کردند. برای اجرای برخی تصمیمات، چند ساعت و برای بقیه کارها، ۲-۳ روز مهلت تعیین می گردید.

گروه عملیات سریع، با شرکت دانشمندان، شعب کمیته مرکزی حزب و شورای وزیران، پروژه کارهای کم و بیش بزرگتری را که، اجرای آنها به زمان زیادتری نیاز داشتند، تدوین و به هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست و شورای وزیران اتحاد شوروی ارائه می کرد.

همه تصمیمات اصولی دفتر سیاسی و دولت، بر مبنای توصیه های دانشمندان، گرفته می شد. دانشمندان و مجامع علمی موظف بودند، پیشاپیش، پایه های علمی مصوبات را مورد تحقیق و بررسی قرار دهند.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در جلسه اختصاصی خود در ماه ژوئن سال ۱۹۸۶، پس از ارزیابی نظرات متخصصان درباره حادثه انفجار در نیروگاه اتمی، گزارش کمیسیون دولتی راجع به حادثه را مورد مطالعه و بررسی قرار داد. در ارتباط با این مسئله قرار صادر کرد. گزارش این جلسه دفتر سیاسی و تدابیر اتخاذ شده برای تأمین امنیت نیروگاههای اتمی در مطبوعات شوروی انتشار یافت. در ماه ژانویه سال ۱۹۸۷، با هدف اعمال کنترل بر اجرای مصوبه مزبور، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، با شرکت دانشمندان و متخصصان، تکنسین ها و طراحان، جلسه مشاوره برگزار کرد. در باره مدرنیزه کردن سیستم اتمی و تسریع تعویض آنها با راکتورهای الکتریکی آبی - ۱۰۰۰، اتوماتیزه کردن کامل سیستم هدایت کننده و حفاظتی راکتورها تصمیم گرفت. تدابیر مشخصی برای ساختن راکتورهای حرارتی خنک شونده با گاز، در کوتاه مدت اتخاذ کرد. دفتر ویژه طراحی تشکیل گردید. بهره برداری از دو دستگاه اتمی تازه آزمایشی - صنعتی در پنج ساله هشتم (سالهای ۱۹۹۱-۱۹۹۵) را پیش بینی کرد. کارهای بسیار جدی در

زمینه مدرن سازی راکتورهای اتمی موجود، ارتقاء کیفیت آموزشی و مهارت کادرهای شاغل در راکتورها به اجرا گذاشته شد.

انفجار در نیروگاه اتمی چرنوبیل، موجب پخش مواد رادیواکتیویته در مناطق مسکونی پر جمعیت، باعث آسیب دیدن و عذاب هزاران نفر گردید. حزب، دولت و همه کشور، تمام آنچه را که در توان داشت، برای تسکین و تخفیف آلام آنها انجام داد. این مبارزه ای بود در راه استخلاص مردم و حفظ سلامتی آنها. علیرغم آن، همچنانکه گفته شد، متأسفانه، ۲۸ نفر، در نتیجه بیماریهای ناشی از تشعشعات اتمی مردند.

در کار های مختلف برای از میان برداشتن پیامدهای انفجار نیروگاه اتمی، بیش از ۵ هزار نفر شرکت کردند، تکنولوژی مدرن کنترل از راه دور و وسایل جلوگیری از تأثیر رادیو اکتیو به کار گرفته شد. کوچاندن اهالی مناطق واقع در حوزه تأثیر مواد رادیواکتیو، ضرورت پرداختهای اجتماعی، بهبودی ارائه خدمات پزشکی به آنها، کار بغایت سنگینی بود. بسیاری از امدادگران حادثه نیازمند بهسازی شرایط مسکن و تأمینات مالی خود هستند. آنها در شرایط سخت و فشرده کار کردند و برای نجات زندگی انسانها، شجاعتها و قهرمانی های بزرگی از خود نشان دادند. بیش از ۶۴۰۰ نفر به دریافت مدالها و نشانهای شوروی مفتخر شدند. دولتها و خلقهای زیادی با دولت و مردم شوروی اظهار همدردی کردند. بسیاری از آنها به اشکال مختلف، پیشنهاد کمک دادند.

در عین حال بودند کسانی که، بعد از گذشت چند سال، زمانیکه، پروسترویکا (بازسازی) به مرحله «بود و نبود اتحاد شوروی» وارد شده بود، بخصوص در «انجمن تحقیقات» اوکرائین، تازه فهمیدند که، رهبری کشور و جمهوری اوکرائین را به مخفی نگاه داشتن ابعاد حادثه نیروگاه هسته ای و سازماندهی گویا، نادرست کارهای بازسازی متهم کنند. خود آنها که مستقیماً در این کارها شرکت نکرده بودند، از بریده های نوشته های انتقادی مطبوعات وقت و بیانیه های دولتی استفاده کرده اند. اخیراً، شخص دیگری بنام کارالیتسکی، با استفاده از نوشته های جعلی روزنامه ها، در «اطلاعیه» خود، تحت عنوان «آزیر خطر»، بدون ارائه حتی یک فاکت، حزب کمونیست جمهوری فدراتیو روسیه و رهبر آن، گنادی زیوگانوف را به فساد متهم کرده است. عجیب است، این قصه هنوز ادامه دارد! بسیاری از این اتهام زنان، با سربار شدن به بدبختی های مردم، به مقام نمایندگی مجلس رسیده، کتاب چاپ می کنند و «مشهور» می شوند.

بزرگترین نگرانی رهبری اتحاد شوروی، این بود که، هر چه زودتر بفهمند در نیروگاه هسته ای چرنوبیل چه روی داده است، مقیاس حادثه و عواقب آن را مشخص کنند، به جوّ رعب و وحشت در جامعه دامن نزنند، تدابیر عملی اتخاذ نمایند و توان انسانی و اقتصادی - مالی کشور را به سمت هدف اصلی هدایت کنند.

اگر در تاریخ ۲۸ آوریل، هیئت سیاسی اطلاعیه ای در باره حادثه انفجار در نیروگاه اتمی چرنوبیل صادر کرد و همان روز، کمیسیون دولتی تشکیل گردد، چگونه می توان از پرده پوشی حادثه صحبت کرد. همچنین در همین تاریخ، ب. ای. شربین، صدر کمیسیون دولتی، به در چرنوبیل رفت. دوم ماه مه، اعضای گروه عملیات سریع در منطقه انفجار اتمی کار می کردند، روزنامه های «پراودا» و «ایزوستیا»، هم همان موقع، با تیراژ ۱۸ میلیون نسخه، در این باره، نوشتند. رهبری وقت کشور، از اعتماد مردم برخوردار بود، روحیه اعتماد بخود و آرامش را در جامعه برقرار ساخت.

در دو هفته اول ماه مه، کنفرانس های مطبوعاتی با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار شد، با سفرای کشورهای خارجی دیدارهایی صورت گرفت، از خبرنگاران و دوبار از هیئت نمایندگی آژانس بین المللی انرژی اتمی، همچنین از نمایندگان پارلمان اتحاد شوروی و کشورهای خارجی، وزرا و شخصیت های اجتماعی، دانشمندان آمریکا، انگلیس، فرانسه و

کشورهای دیگر، برای سفر به چرنوبیل دعوت به عمل آمد. هانس بلیکس، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در مصاحبه خود اعلام کرد: مهم این است که اتحاد شوروی در رابطه با انرژی اتمی شفاف و علنی عمل کرد».

درست از همان روزهای اول انفجار، هزاران نفر مکانیک، متخصص ساختمانی، سرباز و افسر در محل حادثه کار می‌کردند. دهها هزار نفر از منطقه کوچانده شدند. کارهای توضیحی و دیدارهای منظم با روستائیان عملی می‌شد. در نتیجه در سال ۱۹۸۶، دو فیلم مستند ساخته شد. پس، از کدام مخفی‌کاری می‌توان صحبت کرد؟ این، دروغ‌کینه توزانه‌ای است! در اینجا، غیر از تحقیقات علمی و تکنولوژی بازسازی امنیت هسته‌ای، راز نهانی باقی‌نمانده است.

البته، در پیشبرد چنین کار بزرگ و پیش‌بینی نشده، خطاها و نارسائی‌های محسوسی وجود داشت. در باره آنها، اغلب، علنی صحبت شده است، مهم این بود که برطرف شدند. روشن است: همه آنچه که برای تأمین امنیت هسته‌ای کشور انجام شد، بنا به اعتراف متخصصان و آگاهان، فقط در حد توان اتحاد شوروی، ساختار اجتماعی و اقتصاد برنامه‌ریزی شده آن بود که قدرت تدارک ذخایر عظیم خود در کوتاه‌ترین مدت، برای ازمیان برداشتن پیامدهای چنین حوادثی و بازسازی آن را داشت. موضوع مهم دیگر، این که رشد نیروهای مولد امروزی، تأمین امنیت تکنیک نوین و تکنولوژی دوره انقلاب علمی-فنی، نیازمند تقویت نقش دولت در اقتصاد و در جامعه می‌باشد.

راه توده ۱۴۲ ۳۰,۰۷,۲۰۰۷